

ادله جواز عملیات استشهادی فقیهان اهل سنت در نهضت‌های استشهادی بر اساس آیاتی از قرآن کریم

یعقوب توکلی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۲

سعید حسن زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۰

چکیده

ایدئولوژی اولیه اسلامی در میان اهل سنت با قرآن و شش کتاب بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، نسائی که از منابع احادیث آنهاست آغاز گردیده، و فقیهان اهل سنت در گفتمان‌های مختلف فقهاتی خود، عملیات استشهادی را با ذکر ادله‌ای چند مجاز دانسته‌اند، و این پژوهش که مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای و مستند به داده‌های نظری است به روش توصیفی تدوین شده، و پس از ارائه ادله جواز عملیات استشهادی در میان اهل سنت، و جوب چنین جهادی را با تفاسیر گوناگون آنها از قرآن و سنت و حوادث صدر اسلام، با قیود و شرایطی لازم شمرده است.

کلیدواژگان: عملیات استشهادی، فقیهان، اهل سنت، آیات قرآن.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار دانشگاه معارف اسلامی.

** عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه.

پیشینه تحقیق

با توجه به کوشش‌های به عمل آمده از مراکز تحقیقاتی و آموزشی به این نتیجه دست یافتیم که از آنجا که ماهیت عملیات استشهادی و جواز آن در فقه اسلام ذیل عنوان دفاع مشروع و در قالب جهاد دفاعی قابل بررسی و ارزیابی است لذا این عملیات‌ها یک روش جدید دفاعی و یکی از مسائل مستحدثه است، در منابع شیعه و اهل سنت نیز درباره آن بحث مستقلی نشده است جز اینکه با توجه به آیات و روایات مربوطه و نظرات فقهای امامیه و اهل سنت پیرامون موضوع تنها در کتب تفسیری و فقهی، می‌توان به مطالبی دست یافت که در این مورد از منابع و کتب فقهی شیعه و اهل سنت استفاده شده است.

از این رو با بررسی‌های کتابخانه‌ای که صورت گرفته می‌توان از مجموع تحقیقات انجام‌شده درباره عملیات استشهادی به یک نتیجه کلی دست یافت و آن هم تازگی و حساس بودن موضوع است؛ تازگی از آن جهت که فقط در چند سال اخیر این موضوع مورد توجه بعضی از اندیشمندان و علماء اسلام قرار گرفته و تعداد اندکی کتاب و مقاله آن هم بیش‌تر توسط اهل سنت تدوین و منتشر شده است، و عمده‌ای مباحث هم در زمینه تاریخچه‌ای عملیات استشهادی است و کم‌تر به ادله‌های فقهی و یا دیگر مسائل پیرامون موضوع پرداخته شده است. و حساس از آن جهت که مخالفت و برخورد منفی استکبار جهانی و دشمنان اسلام با مقوله عملیات استشهادی و فشار سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی آن‌ها علیه دولت‌های اسلامی و مردم مسلمان، جهت جلوگیری از انجام این نوع عملیات و برخورد با عاملین آن، باعث بی‌رغبتی پژوهش‌گران به این مسأله شده است.

ولی تلاش مجری بر این بوده که بخش قابل ملاحظه‌ای از آثاری که درباره موضوع در داخل و خارج به طور مستقل به عملیات استشهادی پرداخته‌اند، شناسایی و استفاده گردد که از باب رعایت انصاف و امانتداری برخی از منابع معرفی شده در این تحقیق را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. در این خصوص می‌توان به کتاب‌های ارزشمندی همچون «دو نظریه تروریسم و فداکاری» اثر یعقوب توکلی اشاره کرد که نویسنده در کتاب خود ضمن تعریف ترور و فداکاری و انواع آن به تاریخچه اینگونه عملیات‌ها در ایران پرداخته و کم‌تر به بنیان‌های فکری و فقهی موضوع اشاره دارد و حتی در تعریف و تبیین این

مسأله در نزد اهل سنت هیچ اشاره‌ای نکرده است. کتاب «پیامبر اعظم و تروریسم و خشونت طلبی» اثر علی اصغر رضوانی که نویسنده در این کتاب به بررسی مفهوم ترور، اولین ترور در اسلام، حکم ترور از دیدگاه شرع، بررسی آیه ارهاب، اقدام برای دفاع از جان و... پرداخته است. کتاب مبانی فقهی و استشهدادی شیعه و اهل سنت نوشته دکتر ملامحمدی که بیش‌تر به مبانی فقهی این عملیات پرداخته و کتاب «مرداب انتحار»، اثر علیرضا کینما که نویسنده در این کتاب تنها به نقد عملیات انتحاری توسط جریان‌های تندرو اسلامی با استناد به آموزه‌های قرآن و سنت پرداخته، و همچنین برخی کارگاه‌های آموزشی، همایش‌ها، نشست‌های علمی- پژوهشی و سخنرانی‌ها در دانشگاه‌های کشورمان توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام و... برگزار شده ولی کافی نمی‌باشد. اما از آنجائی که مجموعه این آثار و همایش‌ها حکایت از توجه محققین و علما و مسئولین نسبت به این امر داشته و دارد جای امیدواری فراوانی وجود دارد هرچند مطالب نوشته شده هم بیش‌تر به صورت جسته و گریخته و در حد یک مقاله چند صفحه‌ای است. بنابراین می‌توان مدعی شد که کتب چندان مستقل و منسجمی درباره موضوع در دسترس نمی‌باشد.

ادله جواز عملیات استشهدادی

قرآن کریم

اکثر فقهای اهل سنت که درباره عملیات استشهدادی اظهار نظر کرده‌اند، این نوع عملیات را بر ضدّ دشمنان متجاوز و اشغال‌گر جایز و مشروع دانسته، آن را مصداقی از مصادیق جهاد دفاعی می‌شمارند.

از اطلاق بعضی از آیات قرآن می‌توان بر جواز عملیات استشهدادی علیه دشمنان متجاوز و اشغال‌گر استدلال نمود، اینک به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

﴿وَأَعِدُّوا مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا اللَّهَ وَعَدُّواكُمْ...﴾ (انفال/

۶۰)

به موجب این آیه، مسلمانان باید در برابر دشمنان، آنچه توانایی دارند آماده سازند تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانند.

طنطاوی در ذیل تفسر این آیه معتقد است که این آیه، یکی از ادله جهاد و دفاع است (طنطاوی، ۱۴۲۵، ج ۶: ۱۳۹) چراکه به مسلمانان فرمان می‌دهد هر قدر توان دارند از نیروی انسانی و ادوات جنگی تدارک ببینند، و در برابر دشمنان همواره مهیا و آماده باشند.

این نظر و برداشت از آیه مذکور، در قالب عبارت زیر، از سوی یوسف قرضاوی که یکی از علماء اهل سنت است، مورد تأیید قرار گرفته است: «عملیات استشهادی از بزرگ‌ترین انواع جهاد در راه خدا به شمار می‌آید، و این عملیات از همان ارهاب و ترساندن مشروعی است که قرآن کریم در آیه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ به آن اشاره کرده است» (قرضاوی، ۱۹۹۶: ۱۰۶-۱۰۷).

حق تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِمْ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/ ۱۱۱)

«خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد (به این گونه که) در راه خدا جهاد می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده، و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است. اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید، این پیروزی بزرگی (برای شما) است»

تفسیر این آیه را ذیلاً از قول شوکانی که از عالمان سنی است، نقل می‌کنیم: مجاهدان فی سبیل الله برای اینکه از اهل بهشت و ساکنین بهشت باشند جان‌های خود را می‌بخشند، و این نهایت گذشت و بخشش است، و خداوند هم بهشت را به آنها می‌بخشد و بهشت بزرگ‌ترین چیزی است که بندگان خدا طلب می‌کنند و عبارت «یقاتلون فی سبیل الله» بیان بیعی است که اشتراء مذکور مقتضی آن است. مثل اینکه گفته شود مؤمنین چگونه جان‌ها و اموالشان را به بهای بهشت می‌فروشند؟ گفته شود: «یقاتلون فی سبیل الله» بعد این مقاتله و جهاد در راه خدا را با این سخن «یقاتلون و

يُقْتَلُونَ» تبیین می‌کند. و مراد این است که مؤمنین و مجاهدین در میدان جنگ به کشتن کفار اقدام کنند و جان‌های خود را در این راه بذل نمایند. اگر این کار را انجام دادند مستحق رفتن به بهشت هستند (شوکانی، ۱۴۱۲: ۵۹۱).

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره / ۲۰۷)

بعضی از مردم «باایمان و فداکار همچون علی(ع) در لیلۃ المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر(ص) جان خود را در برابر خشنودی خدا فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است».

«پیامبر در شب اول ماه ربیع الاول، به علی گفت: «مشرکان می‌خواهند امشب مرا به قتل برسانند، آیا تو در جای من می‌خوابی تا من به غار ثور بروم؟» علی گفت: «در این صورت شما سالم می‌مانید؟» محمد فرمود: «آری» علی تبسمی کرد و سجده شکر به جای آورد، وقتی که سر از سجده برداشت عرض کرد: «آنچه را که مأمور شده‌ای انجام ده که چشم، گوش و قلبم فدای تو باد! به هر چه می‌خواهی فرمانم بده که همانند دستیار شما هستم، همانگونه که مقصود شماست در آن وارد می‌شوم و موفقیت‌م تنها از ناحیه خداست. سپس محمد، علی را در آغوش گرفت و هر دو گریه کردند و از هم جدا شدند.

مشرکان از ابتدای شب، خانه محمد را محاصره کردند و قرار بود حمله در نیمه شب صورت گیرد، اما ابولهب گفت: در این وقت، زنان و فرزندان در داخل خانه هستند و بعدها عرب درباره ما می‌گویند حرمت فرزندان عموی خویش را شکستند.

علی درهای خانه را بست و پرده‌ها را کشید، آنان با سنگ بر علی که در بستر خوابیده بود، می‌زدند تا مطمئن شوند کسی در بستر خوابیده است البته شک نداشتند که وی رسول خداست و صبح که با شمشیرهای برهنه به خانه هجوم بردند، وقتی علی را در بستر محمد مشاهده کردند، گفتند: محمد کجاست؟ علی فرمود: «مگر او را به من سپرده بودید که از من می‌خواهید؟ کاری کردید که او ناچار شد خانه را ترک کند».

در این هنگام به سوی علی یورش بردند و او را آزرده و سپس از خانه بیرون کشیدند و کتک زدند و ساعتی هم در مسجد الحرام زندانی کرده و تا سر حد مرگ زدند و آزادش کردند. سپس در جهت مدینه به تعقیب محمد پرداختند.

وقتی علی در بستر محمد خوابیده بود، جبرئیل در بالای سر او و میکائیل پایین پای علی آمدند و جبرئیل گفت: «خوشا به حال کسانی چون تو ای فرزند ابو طالب که خدای متعال در برابر فرشتگان به تو مباحثات می‌کند» (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

ثعالبی از مفسران معروف اهل سنت نیز همین ماجرا را به شکلی که ذیلاً نقل می‌کنیم بیان کرده‌است:

«وقتی پیامبر اسلام تصمیم گرفت مهاجرت کند، برای ادای دیون خویش و تحویل دادن امانت‌هایی که نزد او بود علی (علیه السلام) را به جای خویشتن قرار داد و شب هنگام که می‌خواست به سوی غار «ثور» برود و مشرکان اطراف خانه او را برای حمله به او محاصره کرده بودند، دستور داد علی (ع) در بستر او بخوابد و پارچه سبزمی را که مخصوص خود پیامبر بود روی خویش بکشد. در این هنگام خداوند به جبرئیل و میکائیل وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر قرار دادم، کدام یک از شما حاضر است ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ هیچ کدام حاضر نشدند. به آن‌ها وحی شد اکنون علی (ع) در بستر پیامبر من خوابیده و آماده شده جان خویش را فدای او سازد، به زمین بروید و حافظ و نگهبان او باشید» (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۰۴-۴۰۵).

در سایر تفاسیر نیز آمده است که این آیه در شأن علی (ع) (هنگامی که در بستر پیامبر (ص) آرمید) نازل شده است (فخر رازی، ج ۵: ۲۰۴) گرچه این آیه در شب هجرت پیامبر خدا درباره علی (ع) نازل گردیده است، ولی مثل دیگر آیات قرآن یک حکم کلی و عمومی را بیان می‌کند، و آن عبارت از این است که دسته‌ای از مردم مؤمن و فداکار با

خداوند معامله می‌کنند و هرچه دارند حتی جان خود را به او می‌فروشند و جز رضای او چیزی خریدار نیستند و عزت و آبرویی جز به واسطه خدا قائل نمی‌باشند. با فداکاری‌های این‌هاست که امر دین و دنیا اصلاح و حق و حقیقت زنده و پایدار می‌شود و زندگی انسان گوارا و درخت اسلام بارور می‌گردد.

وقتی علی(ع) که برای نجات پیامبر اسلام(ص) جان خود را به خطر انداخت، مرضی خدا گردید، قطعاً جوانانی که در سرزمین‌های اشغالی با کشته شدن خود دین رسول خدا را حفظ می‌کنند و با عملیات انتحاری به دشمن ضربه می‌زنند نیز خشنودی پروردگار را کسب می‌کنند.

این جوانان شجاع، رابطه خود را با خدا شناخته و در راه دین خدا و آزادی قدس شریف مجاهدت می‌کنند، و تکلیف شرعی خود را که جهاد با دشمنان خداست انجام می‌دهند(هایل تکروی، ۱۹۹۷: ۹۸) پس ثواب الهی شامل حال آنان نیز می‌گردد.

اخبار و روایات مأثوره

در این بخش به روایاتی اشاره می‌کنیم که مورد وثوق اهل سنت هستند و از آن‌ها جواز انجام عملیات شهادت طلبانه استخراج می‌گردد.

پیامبر اکرم می‌فرمایند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۱۰)؛ یعنی: عملکرد آدمیان به نیت‌شان بستگی دارد و همه انسان‌ها، باز خورد نیت خود را دریافت می‌کنند. طبق حدیث مذکور ملاک و معیار در احکام شرع و جهاد در راه خدا وجود اخلاص و نیت و قصد اعلاء کلمه حق است نه چیز دیگر، پس مجاهدین مسلمان در مبارزه با اشغال‌گران چه به دست آن‌ها کشته شوند و چه با انجام عملیات استشهدادی علیه آن‌ها به دست خودشان کشته شوند، چون نیت آن‌ها مخلصانه و به قصد اعلاء کلمه حق است، عملشان مشروع و جایز می‌باشد.

شریعت اسلام، میان دو امر مشابه به خاطر قصد و نیت فرق می‌گذارد. همچنین رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «مِن قَاتِلٍ لِّتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱: ۴۰)؛ یعنی: کسی که به خاطر اعلاء کلمه الله مبارزه و جهاد کند در راه خدا قرار دارد.

در حدیثی که یکی از علماء اهل سنت به نام حاکم روایت می‌کند آمده است: مردی از پیامبر(ص) پرسید یا رسول الله آیا اگر بر مشرکان یورش برم و تا لحظه مرگ با آنها بجنگم، وارد بهشت می‌شوم؟ حضرت فرمود: بله، آن مرد هم پس از شنیدن سخنان پیامبر(ص) به صفوف مشرکان حمله‌ور شد و با آنها جنگید تا کشته شد(قابل دسترسی در: <http://www.Islamtoday.net>).

این عمل، از سوی تعدادی از صحابه پیامبر بزرگ اسلام در غزوه احد انجام گرفت که پیامبر آنان را از این کار بر حذر نداشت و به کسانی که برای این کار اجازه گرفته بودند، بشارت شهادت داد(ابی شیبه، ۱۴۱۴، ج ۸: ۴۹۰).

در حدیثی دیگر از رسول خدا سؤال می‌شود آیا کسی که به خاطر اینکه به او شجاع بگویند مبارزه کند و کشته شود در راه خدا هست؟ رسول خدا می‌فرماید: چنین کسی در آتش است(ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۳: ۱۰۰) اگرچه این دو در ظاهر مبارز هستند، ولی یکی شهید است و در بهشت و دیگری در آتش جهنم است.

با این توضیح، عملکرد استشهدادی مجاهدین مسلمان هم که با اجازه رهبر شرعی خود دست به انتحار می‌زنند و به صفوف اشغال‌گران حمله می‌کنند مشروع ارزیابی می‌گردد.

رسول خدا شهادت دوستی خود را چنین بیان می‌کنند: «وَأَلَّذَى نَفْسِي بِيَدِهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُقْتَلُ» (بخاری، ۱۴۰۱، جزء ۱۲: ۱۰۲)؛ یعنی: سوگند به پروردگاری که جانم در دست اوست، دوست دارم در راه خدا کشته شوم، سپس زنده شوم، دوباره کشته شوم، سپس زنده شوم دوباره به قتل برسم.

استشهدادیون هم مختارانه و با شوق و رغبت وافر به شهادت در راه خدا به اشغال‌گران یورش می‌برند و جان خود را نثار می‌کنند. جواز عملیات استشهدادی و اطلاق شهید بر مبارزین مسلمان به اعتبار قاتل مجاهد و یا به اعتبار وسایل و ابزار قتل نیست. بلکه به خاطر خدا و نیت و قصد خالصانه اعلاء کلمه حق است. لذا کسی که سوء نیت دارد و دشمن او را می‌کشد در آتش است و کسی که حسن نیت دارد و مخلص است و دشمن او را می‌کشد در بهشت است، و کسی که به خاطر جزع و فزع خود را می‌کشد در آتش است و کسی که به خاطر حفظ دین با انجام عملیات استشهدادی خود را می‌کشد در

بهشت‌است. روایتی که ذکر شد در منابع اهل سنت نیز آمده است و علماء اهل سنت برای توجیه مشروعیت و جواز عملیات استشهدادی به روایت مذکور و بعضی روایات دیگر استناد کرده‌اند (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در اینجا به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

ابن سعید خدری می‌گوید: «قال رسول الله: الَّذِينَ يَلْقَوْنَ فِي الصَّغْرِ الْأَوَّلِ فَلَا يَلْفَتُونَ وَجْهَهُمْ حَتَّى يُقْتَلُوا، أُولَئِكَ يَلْبَطُونَ فِي الْغُرْفِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ، وَيَضْحَكُ إِلَيْهِمْ رَبُّكَ، إِنْ رَبَّكَ إِذَا ضَحَكَ إِلَيْكَ قَوْمٌ لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ»: خداوند متعال، مجاهدانی را که در صف اول مبارزه با کفار قرار می‌گیرند و رو بر نمی‌گردانند تا اینکه کشته می‌شوند، در طبقات بالای بهشت قرار می‌دهد و به آن‌ها لبخند می‌زند، و قومی که خداوند به آن‌ها لبخند زند، در معرض حساب و کتاب قرار نمی‌گیرند و مستقیماً به بهشت می‌روند (قابل دسترسی در: <http://www.palstine-Persian.info/fatava/fatavi.html>).

سلوک پیامبران الهی و اولیای برگزیده حق

سیره عملی انبیا تأییدی بر جواز عملیات استشهدادی است. بسیاری از پیامبران خدا و اولیاء دین و بندگان مؤمن موحد برای احیاء دین خدا در برابر مستکبران و ظالمان عصر خود ایستادند و با علم به اینکه در این راه جان خود را از دست خواهند داد، ایستادگی نمودند.

پیامبر اسلام (ص) به ابن عباس فرمود:

«شبی که سوار بر دُلْدُلْ به معراج رفتم، شمیم مشام نوازی به بینی‌ام خورد. از روح الامین پرسیدم: خاستگاه این عطر خوشایند کجاست؟ گفت: این بوی آرایشگر دختر فرعون و فرزندان اوست. گفتم این مشاطه چه منزلتی دارد؟ گفت: روزی با شانه، موی سر دختر فرعون را شانه می‌کرد که ناگهان شانه از دستش افتاد، آن زن گفت: بسم الله. دختر فرعون گفت: منظورت از الله، پدرم بود؟ مشاطه گفت: نه؛ الله پروردگار من و پروردگار پدرت است. دختر فرعون، موضوع را به سمع پدر رساند؛ فرعون، مشاطه را احضار کرد و از او پرسید: غیر از من پروردگاری داری؟ آن زن گفت: آری. پروردگار من و تو الله است. فرعون دستور داد گاوی از مس ساختند، بعد

آن را با آتش گداخته کرد و به آن زن گفت: خودت را با فرزندان در آن بینداز، آن زن گفت: من حاجتی از تو دارم. فرعون گفت حاجت تو چیست؟ زن گفت: دوست دارم استخوان‌های من و فرزندانم را در یک پارچه جمع کنی و دفن نمایی. فرعون گفت: این حق شماسست و ما آن را انجام می‌دهیم. بعد فرعون به فرزندان آن زن دستور داد پیش روی مادر، یکی یکی خود را در آن مس گداخته بیندازند. این کار انجام شد تا رسید به یک پسر بچه شیرخوار، مادر مانع از انداختن او شد. پسر بچه گفت: مادر! مرا در آتش بینداز؛ زیرا عذاب دنیا آسانتر از عذاب آخرت است» (احمد بن حنبل، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۱۰-۳۰۹).

این روایت بسیار مهم، حاکی از آن است که جایز است انسان برای اعتلای کلمه حق و حفظ دین، جان خود را فدا کند. در عملیات استشهادی نیز یکی از اهداف مهم مجاهدین مسلمان، پاسداری از آیین آسمانی اسلام می‌باشد. گفتنی است که در خصوص ماجرای اصحاب اخدود، روایتی از پیامبر اکرم (ص) در منابع اهل سنت نقل شده است (النووی، صحیح مسلم، جزء ۱۸: ۱۳۰-۱۳۳) که/مین الاسلام طبرسی نیز آن را در تفسیر «مجمع البیان» آورده است.

آرای فقهی استنادپذیر در خصوص جواز عملیات شهادت طلبانه

وجوب جهاد تدافعی در شرایط گوناگون

جهاد دفاعی در مقابل دشمنانی که به جان و مال و ناموس و سرزمین مسلمانان هجوم می‌آورند یکی از مباحث مطرح در «بحث جهاد» است. به گفته یوسف قرضاوی «ما مجاز نیستیم مسلمان فلسطینی را که تنها راهش منفجر کردن خود در جمع یهودیان (متجاوز) است از شهادت طلبی محروم کنیم. او با هواپیماها، تانک‌ها و ناوهای صهیونیستی چه کند؟ آیا می‌توانیم این وسیله را که خداوند در اختیارش نهاده، از او بستانیم؟» (القرضاوی، الانتفاضة الفلسطينية والعمليات الفدائية: ۷، به نقل از: ورعی، مبانی فقهی عملیات شهادت طلبانه، نشریه حکومت اسلامی). وقتی قرار باشد که متجاوزان، مردم مسلمان را بکشند و خانه و کاشانه و منابع اقتصادی آن‌ها را ویران سازند، انجام

عملیات استشهادی، جنبه بازدارندگی خواهد داشت. وانگهی، این عملیات، بازتاب طبیعی مسلمانان در برابر تجاوز اشغال‌گران است و قرآن کریم هم در آیه شریفه ﴿فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾ (بقره/ ۱۹۴) به مردم مسلمان در حدّ ضرورت، جواز مقابله به مثل را داده و گفته است که هر کس به شما ستم کرد شما هم به همان شکل و مقدار، به او ستم کنید.

ضرورت پایداری و مقاومت تا کسب ظفرمندی

با توجه به فتاوی فقهاء اهل سنت در مورد لزوم استقامت در برابر دشمن تا حد جان دادن، مسلمانان باید در مقابل متجاوزان و اشغال‌گران مقاومت و استقامت کنند. یکی از راه‌های استقامت و مقابله با دشمن هم انجام عملیات شهادت طلبانه است. فقیهان سنی، پایداری در مبارزه با کفار و مشرکین و منافقان را واجب می‌دانند و با استناد به آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا...﴾ (انفال/ ۴۵) فرار از جنگ را حرام می‌شمرند؛ مگر در شرایطی خاص که مثلاً سپاه دشمن بیش از دو برابر تعداد مسلمانان باشد و امید به پیروزی نباشد.

فقیهان سنی معتقدند که اگر تعداد دشمنان دو برابر مسلمین یا کم‌تر باشد، فرار از جنگ حرام و گناه کبیره است، و اگر ظن غالب هم به کشته شدن باشد قول صحیح این است که نباید فرار کنند و باید استقامت کنند به دلیل آیه «إذا لقيتم فئة فاثبتوا» و اگر تعداد دشمنان بیش از دو برابر مسلمانان باشد و ظن غالب بر کشته شدن نیز باشد باز یک وجه‌اش این است که می‌توانند استقامت کنند زیرا در صورت کشته شدن به فیض شهادت نائل شده و از ثواب شهدا برخوردار می‌گردند (شیرازی، المهدّب به نقل از مروارید، سلسله المصادر الفقهية، ج ۱۳: ۵۷۸ و ۷۵۰).

کتمان رازهای نظامی تا سر حدّ شهادت

این پرسش هر از گاه مطرح می‌شود که اگر شخص مطلع از اسرار نظامی، اسیر گردد، می‌تواند برای رهاشدن از شکنجه‌های بی‌امان دشمن، به حیات خود پایان دهد؟ جواب به پرسش مذکور، دشوار به نظر می‌رسد؛ چراکه از یک سو، صدور مجوز خودکشی،

امکان ندارد و از دیگر سو، عدم صدور مجوز انتحار، به کشته شدن چند صد مسلمان می‌انجامد و لشکر اسلام را مغلوب کفار و منافقین می‌سازد. فقیهان اهل سنت در این خصوص می‌گویند: اگر اسرار مذکور چنان مهم باشند که با فاش شدن آن سپاه اسلام متحمل شکست سنگینی شود، و آن فرد در دست دشمن به گونه‌ای اسیر باشد که هیچ راه گریزی برای او نباشد، و اگر قبل از اسیر شدن باشد، می‌تواند آنقدر مقاومت کند که به شهادت برسد و اسیر دشمن نگردد، و قصدش راحت کردن خود از شکنجه دشمن نباشد بلکه دفع ضرر عظیم از مسلمین باشد (هایل تکروی، ۱۹۹۷: ۱۴۰-۱۴۳) در عین حال اگر کشتن خود را تنها راه ناکام گذاشتن دشمن تشخیص دهد حرجی بر وی نیست و شهید شمرده می‌شود.

مجوز یورش به دل سپاه دشمن

در یورش یک فرد به سپاه دشمن هرچند با علم و ظن به کشته شدن انجام می‌گیرد، شخص مجاهد فی سبیل الله به دست دشمن کشته می‌شود، هرچند خود با حمله به دشمن این زمینه را فراهم می‌کند، اما در عملیات استشهادی شخص عملی انجام می‌دهد که هم خود به شهادت می‌رسد و هم گروهی از دشمنان را هلاک می‌سازد، در حقیقت با دست خود خویشتن را به شهادت می‌رساند. پرسش این است که چگونه می‌توان از جواز اینگونه حمله‌ها، جواز انجام عملیات شهادت طلبانه را استخراج نمود؟ تلاش علمای اهل سنت در بحث‌های تفسیری و فقهی مربوط به جهاد، یافتن پاسخ این سؤال است که آیا یک نفر می‌تواند با علم یا ظن به اینکه با حمله کردن به قلب لشکر دشمن به شهادت می‌رسد، به این عمل شهادت طلبانه اقدام کند یا نه؟ در این بین، به اعتقاد محمد بن حسن شیبانی: «مانعی وجود ندارد که مجاهدی با هدف نجات مسلمانان یا کشتن و مجروح ساختن خصم، به تنهایی به سپاه هزار نفری دشمن حمله کند. ولی اگر یورش بردن او به دشمن، با چنین هدف و انگیزه‌ای همراه نباشد و نفعی را متوجه مسلمین نسازد، عملی مکروه انجام داده‌است. از این رو شایسته است که اگر مسلمانی به این امر مبادرت می‌ورزد، اگر نتیجه یادشده را هم نداشته باشد، لااقل با هدف جرأت بخشیدن به مسلمانان انجام گیرد که آن‌ها جسارت حمله به دشمن

را پیدا کنند(قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۶۴) و در جهاد ثابت قدم گردند. / بن عربی می‌گوید: این کار جایز است زیرا در آن چهار وجه وجود دارد: ۱. شهادت طلبی ۲. ضربه زدن به دشمن و کشته و زخمی کردن آن‌ها ۳. جرأت دادن به مسلمانان ۴. تضعیف روحیه دشمنان(ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). پس کسی که با ظن یا یقین به شهادت به تنهایی به قلب سپاه دشمن حمله کند، در صورتی که این اقدام را با اخلاص و انگیزه الهی انجام دهد، و با این عمل عده‌ای از لشکریان دشمن را به هلاکت رسانده یا مجروح سازد، و یا در دل آن‌ها رعب و وحشت اندازد و باعث تقویت جبهه مسلمین شود، چنین اقدامی جایز است.

نظر قرطبی هم در تفسیر آیه «وَلَا تُقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره / ۱۹۵) این است که «اگر مجاهدی با قصد الهی، به تنهایی به لشکر عظیمی حمله کند و مصالح این اقدامش بر مفاسدش ترجیح داشته باشد، کار او از بهترین اعمال بوده و جاننش را برای کسب رضایت الهی فدا کرده است و مصداق «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره / ۲۰۷) خواهد بود» (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۱).

شافعی هم می‌گوید: مردی به رسول خدا گفت: اگر من در راه خدا شهید شوم شما می‌دانید من کجا هستم؟ حضرت فرمود: در بهشت هستی. آن مرد خرماهایی که در دست داشت به زمین انداخت و شروع به مبارزه با دشمنان کرد تا اینکه به شهادت رسید و همین وعده او را در رشادت و دلآوری مصمم ساخت(ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

جواز انتخاب مرگی که گریزی از آن نیست

در مباحث جاری میان فقهای سنی این پرسش مطرح است که اگر کسی که مثلاً در کشتی مسافرت می‌کند و کشتی بر اثر حادثه‌ای آتش گرفته و شخص یقین می‌کند که در آتش خواهد سوخت، آیا چنین شخصی برای گریز از مرگ در آتش می‌تواند خود را به دریا بیفکند در حالی که یقین دارد در آب هم غرق خواهد شد و راه نجاتی ندارد؟ شماری از فقیهان متسنن، به خاطر آنکه با به دریا افکندن آن فرد، مرگش مستند به او خواهد بود آن را ممنوع شمرده‌اند، اما اکثر آنان به وی رخصت می‌دهند که خود را به یم بیندازد. از نظر ایشان چنین شخصی متهم به خودکشی نیست و نباید مورد نکوهش

قرار بگیرد؛ چراکه فرض بر این است که اگر در کشتی هم بماند کشته می‌شود (الموسوعة الفقهية، ج ۶: ۲۸۳). در مورد بحث ما نیز کسانی که عملیات شهادت طلبانه انجام می‌دهند در حقیقت دفاع می‌کنند، دفاعی که تنها راه باقی‌مانده برای آنهاست، به طوری که اگر از انجام این کار دست بردارند و بنشینند و منتظر آینده باشند باید مثل گذشتگان خود مرگ ذلت باری را به دست دشمن پذیرا باشند، و یا باید تسلیم خواسته دشمن متجاوز شوند تا آنان را از سرزمینشان بیرون کند، یا به قتل برساند، و یا به بردگی و اسارت بگیرد. یک طرف عزت و افتخار است و طرف دیگر ذلت و نکبت و بدبختی به ارمغان می‌آورد، در صورتی که زنده هم بمانند زندگی ذلیلانه‌ای به مراتب بدتر از مرگ خواهد بود، بنابراین مجاهدین مسلمان از بین مرگ و زندگی ذلیلانه و مرگ عزتمندانه، دومی را برگزیده‌اند.

به قتل رساندن بی‌گناهان در عملیات شهادت طلبانه از منظر فقیهان سنی

به باور فقیهان سنی، چنانچه دسترسی به دشمنان و محاربان، جز از طریق کشتن تعدادی از شهروندان عادی و غیرمسلح امکان نداشته‌باشد، کشتن افراد بی‌گناه جایز است (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). البته در تیراندازی و کشتن باید محاربان قصد شوند نه شهروندان (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۰۵).

به گفته ابن رشد: «لا يجوز قتل صبیانهم ولا قتل نسائهم ما لم تقا تل المرأة والصبی، فاذا قاتلت المرأة استبیح دمها»: مادامی که کودکان و زنان در مبارزه شرکت ندارند کشتنشان جایز نیست. چنانچه در مبارزه شرکت کنند ریختن خون آنها مباح است.

بنا بر قول پیشوای شافعیان: «نصب رسول الله (ص) علی أهل الطائف منجیقاً أو عرادة، ونحن نعلم أن فیهم النساء والوالدان» (بیهقی، ج ۱۴: ۸۳). پیامبر اکرم بر ضد طائفیان از منجیق و ازابه استفاده کرد در حالی که یقین داشتیم در بین اهالی طائف، زنان و اطفال وجود دارند. از خطیب شربینی نیز نقل است که می‌گوید: «اگر سپاه اسلام، مبارزه را به دلیل جلوگیری از کشته شدن زنان و کودکان، کنار بگذارد، جهاد تعطیل می‌شود (شربینی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۲۴) و شارع مقدس به ترک جهاد رضایت نمی‌دهد».

حدیث مذکور در «صحیح مسلم» نیز آمده است.

اگر بر ضدّ دشمنان از منجنيق استفاده شود و يا شبیخون به آنها زده شود و در بين آنها زنان و کودکان باشند کشتن آنها جایز است، چراکه علی(ع) روایت کرده است که پیامبر(ص) بر ضدّ طائفیان از منجنيق استفاده کرد و در بين آنها زنان و کودکان بودند. صعب بن جثامه روایت کرده که از پیامبر(ص) درباره فرزندان مشرکین سؤال کردم که شبانه مورد حمله قرار گرفته و زنان و فرزندان آنها هدف قرار می‌گیرند. پیامبر(ص) فرمود: آنها جزء دشمنان هستند. به سبب اینکه کفار با زنان و کودکانشان هستند و اگر به خاطر زنان و کودکان از کشتن آنها خودداری کنیم، این امتناع، به بطلان جهاد می‌انجامد. سلمه بن الأکوع نیز گفته است: «ما شبانه به قبیله هوازن یورش بردیم و ابوبکر با ما بود. و رسول خدا فرماندهی ما را در این نبرد بر عهده داشت. زنان و کودکان هم در بين قبیله حضور داشتند و ما آنها را نیز می‌کشتیم» (ابن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲: ۹۷۴). جمعیت علماء فلسطین در رابطه با شبهه مذکور می‌گوید: «جهاد در اسلام در حقیقت معامله به مثل است و به مسلمانان اجازه داده شده است که آنگونه که دشمن با آنها رفتار کرد آنها هم حق دارند به همان طریق با آنها رفتار کنند، خداوند در کتاب حکیمش در این باره می‌فرماید: ﴿فَمَنْ إِعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا عُوْثِیْتُمْ بِهِ﴾ (بقره/ ۱۹۴): «و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید باید به قدر آن در مقابل انتقام بگیرید». اما چون دشمنان ما، یهودیان و دیگران هیچ گونه اهمیت و ارزشی برای ما قائل نیستند، و کودکان و زنان و شیوخ ما که مسلمانیم را به قتل می‌رسانند به همین خاطر اسلام به ما اجازه داده است که زنان و شیوخ و غیر نظامیان و کودکان آنها را بکشیم. ما که در بیت المقدس و اطراف آن هستیم دشمنی و سیاست تروریستی اسرائیلیان را علیه ملت فلسطین از جمله کشتن کودکان و زنان و نابودی خانه‌ها را می‌بینیم (http://www.palestin-persian.info/fatava/fatavi.html).

تترس در آراء و اقوال فقهای اهل سنت

پیشوای شافعیان در این باره می‌گوید: «فإن تترس به مشرک وهو یعلمه مسلماً وقد التحم فرأی أنه لا ینجیه إلا ضربه المسلم فضربه یرید قتل المشرک» (شافعی، ج ۴: ۲۶۰): چنانچه مشرکی در بحبوحه نبرد، مسلمانی را سپر قرار دهد و مجاهد مسلمان یقین

حاصل کند که جز با هدف قرار دادن مشرک پیروز نمی‌شود، می‌تواند با قصد کردن مشرک، مسلمان را به قتل برساند. /بن حجر عسقلانی هم در خصوص تترس معتقد است: «يجوز قتل النساء والصبيان حيث جعلوا ترساً، ولا يجوز اذا تترسوا بمسلم إلا مع خشية استئصال المسلمين...» (عسقلانی، ج ۴: ۴۹) یعنی: اگر زنان و کودکان سپر قرار داده شوند کشتن آن‌ها جایز است و هر گاه مسلمانی را سپر قرار دهند، کشتن او جایز نیست مگر اینکه خوف شکست سپاه اسلام برود که در این صورت کشتن چنین مسلمانی جایز است».

خلاصه آرای ابن عابدین، شروانی، شوکانی و دیگران نیز از این قرار است: اگر کشتن اسرای مسلمان، بانوان، اطفال و سالخوردگان ضرورت نداشت، لازم است از آن پرهیز کرد، ولی اگر ضرورت داشت مثل اینکه جنگ شعله ور شده و قدرت تهاجمی دشمن زیاد می‌شود و باعث شکست مسلمین می‌شود و یا در صورت توقف جنگ ضرر به مسلمین وارد می‌شود، در این حالت کشتن این افراد جایز است، البته در کشتن آن‌ها باید کفار و دشمنان هدف قرار گیرند (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۰۵؛ شروانی، ج ۹: ۲۴۲؛ شوکانی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۷۳).

بر اساس قاعده «یتحمّل الضّرر الخاصّ لدفع الضرر العام» به خاطر جلوگیری از ضرر عام باید به ضرر خاص که کشته شدن تعدادی اسیر مسلمان و یا بی‌گناهان دیگر است که سپر قرار گرفته‌اند، تن داد.

چگونگی استدلال به بحث «تترس» برای تجویز عملیات شهادت طلبانه

شهادت طلبی با ابزار و روش‌های گوناگون در تاریخ اسلام سابقه داشته، و عملیات استشهادی نیز، در زمان حاضر که بعضی از کشورهای اسلامی در اشغال دشمنان اسلام است، در شرایطی به عنوان یک روش و ابزار دفاعی جایز است علیه دشمنان متجاوز و اشغال‌گر به کار گرفته شود و از قابلیت استدلال و استناد فقهی برخوردار است (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۶۸). عملیات استشهادی، وسیله و روشی برای مبارزه و قتال با دشمنان اسلام و اشغال‌گران سرزمین‌های اسلامی است و هدف از آن هم ضربه زدن به دشمن و سلب امنیت از آن‌ها و در نهایت اخراج آن‌ها از ممالک اسلامی است، پس باید مجاز

باشد. فقهای اهل سنت نیز تجویز قتل مسلمانان اسیر و بی‌گناهان دیگر که از سوی دشمن سپر قرار داده شده‌اند، را منحصر به باب جهاد دانسته، و قتل آن‌ها را از باب حرج و ضرورت جایز شمرده‌اند؛ و چون قتل نفس را مانند یا خفیف‌تر از کشتن دیگران دانسته‌اند، از این رو حکم به جواز عملیات شهادت طلبانه را با هدف ضربه زدن به دشمن صادر کرده‌اند (مجموعه اسئلة متعلقة باحکام الجهاد والجواب من علماء القسام: ۱۱، اینترنت، سایت کتائب الشهید عزالدین قسام).

مقصود از طرح این موارد، از فقه اهل سنت این نبود که هر یک از آن‌ها دلیل مستقلی برای جواز و مشروعیت عملیات شهادت طلبانه باشند، هرچند که بعضی از آن‌ها مثل بحث وجوب جهاد دفاعی و بحث ارجحیت و اهمیت دفاع بر حفظ نفس دلیل محکمی بر این مسأله است و بعضی هم مؤید خوبی به شمار می‌آیند.

فتاوی چند تن از اعظام فقهای معاصر سنّی درباره عملیات شهادت طلبانه

نظر شیخ محمد سعید رمضان البوطی درباره مشروعیت شهادت طلبی بدین شرح است: اگر قصد مجری عملیات شهادت طلبانه، ضربه زدن و کشتن دشمنان باشد نه ریختن خون خود، صد در صد مشروع است و چنانچه مجاهد، قصد کشتن خود را داشته باشد، اقدامش خودکشی محسوب می‌شود، پس واجب نیست کشتن دشمنان را بکند نه نیت مردن خود. و خداوند گاهی او را از چنگ دشمن ولو به صورت خارق العاده نجات می‌دهد. بعد مثالی ذکر می‌کند و می‌گوید: مردی وجود داشت و می‌گفت از زندگی ملول و خسته شده‌ام. لذا می‌خواهم عملیاتی انجام دهم، این عملیات خودکشی و انتحار است، و مرد دیگری بود و می‌گفت من می‌خواهم جهاد در راه خدا انجام دهم و به دشمن ضربه وارد کنم. اگر در این بین کشته شوم خوب است و اگر زنده بمانم خوب تر است. چنین شخصی اگر خدا بخواهد شهید است و این عمل یک نوع از خودگذشتگی است (البوطی، ۱۳۹۳: ۳۳۱-۳۳۳). شیخ وهبه الزحیلی می‌گوید: هرگاه ضرورت داشته باشد، در برخورد با دشمن حربی مثل یهود، عملیات شهادت طلبانه انجام می‌شود، و ظن غالب حاصل شود که دشمن، آن شخص را می‌کشد و یا شکنجه می‌کند، و عملیات نیز با اذن حاکم شرع انجام شود، و این نوع عملیات ترس و وحشت در دشمن

ایجاد کرده و باعث قطع تجاوز دشمن شود، چنین عملیاتی به خواست خداوند جایز است. زیرا امروزه مثل این نوع عملیات ضرورت شرعی پیدا کرده است. این نوع عملیات قهرمانانه تحولات مهمی را در پیشگیری از تعدی تجاوزگران پدید می‌آورد (وهبه زحیلی، ۱۴۱۹: ۵۰۶-۵۰۷).

شیخ همام عبدالرحیم سعید در پاسخ به این پرسش که حکم اسلام درباره عملیات شهادت طلبانه مجاهدین فلسطینی چیست می‌گوید: جهاد در اسلام فریضه‌ای محکمه محسوب می‌گردد و آن جان دادن در راه خداست. مجاهد وقتی که اقدام به جهاد می‌کند یعنی جان خود را بدون استثناء می‌بخشد. او با این نیت نزد خدا مأجور است و وقتی در معرکه کشته می‌شود جزو شهدا محسوب می‌گردد. بحث از سلامت بدن از شرایط جهاد نیست. پیامبر اسلام (ص) مقابله با دشمن و در معرض قتل قرار گرفتن را از بالاترین انواع جهاد دانسته است...؛ با توجه به اینکه هدف از جهاد پیروزی یا شهادت است و شهادت در راه خدا فی نفسه مطلوب و بالاترین مقام و منزلت است و در اسلام همیشه تشویق و ترغیب به شهادت طلبی شده است. پس اعمال جهادی که موجب شهادت می‌شود و ضرر و اذیت بسیار بر دشمن وارد سازد، اعمال مشروع است... بنابراین عملیات استشهادی بالاترین مرتبه جهاد و شهادت است و کسانی که این نوع عملیات را انجام می‌دهند نزد خداوند مأجورند (هفته نامه السبیل، سال سوم، شماره ۱۲۱، سه شنبه ۱۲-۱۸ آذر ۱۹۹۶ میلادی).

شیخ محمد سید طنطاوی (شیخ الازهر)، عملیات استشهادی بر ضد دشمنان متجاوز و اشغال‌گر را جایز دانسته و گفته است: اگر مسلمانی خودش را در میان دشمنان اسلام منفجر کند، کارش دفاع و نوعی شهادت است، زیرا پاداش بدی، بدی مشابه آن است. آنچه اسرائیل در داخل سرزمین‌های فلسطین انجام می‌دهد هر مسلمانی را برای انتقام گرفتن و دفاع از خود تحریک می‌کند. جهاد در راه خدا واجب کفایی است ولی اگر به سرزمین مسلمانان حمله شود این جهاد واجب عینی می‌شود، و اینجاست که عملیات استشهادی از برترین واجبات و بهترین شکل فداکاری در اسلام شمرده می‌شود (ملا محمد علی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). عملیات استشهادی به باور ایشان و تعدادی از علماء مجمع تحقیقات اسلامی مصر، بالاترین نوع جهاد محسوب می‌گردد (همان).

فتوای جمعیت علماء فلسطین

به اعتقاد این جمعیت، عملیات شهادت طلبانه نوعی جهاد در راه خداست؛ چراکه پایه‌های حکومت صهیونیستی را متزلزل می‌سازد و دشمن را به عقب نشینی وادار می‌کند. کاستن از شمار مهاجران یهودی به فلسطین، خسارات مادی و اقتصادی بزرگ، تضعیف شوکت و روحیات اسرائیلیان از دیگر ثمرات استشهدی‌گری است. عملیات مذکور، مصالح بزرگی برای امت اسلام و ملت مظلوم فلسطین در بر داشته و روحیه مبارزان را در جهاد و شهادت افزایش داده است، و مجریان این قبیل عملیات، نمونه‌های برجسته‌ای از در جهاد و پایداری و رشادت را به منصه ظهور گذارده‌اند(همان: ۱۸۴).

مشروعیت این قبیل از عملیات، به روشنی تمام، از کتاب و سنت و اجماع، استخراج می‌گردد. فقهای امت اسلامی، بر این نکته که اگر یک نفر مسلمان به هزار نفر دشمن یورش برد، اگر قصد وی از این عمل، غلبه و ظفرمندی بر آنان و وارد ساختن خسارت و ارباب آن‌ها باشد، هم‌داستان‌اند که این کار جایز شمرده می‌شود، و چون عزم آسیب رساندن به دشمن را داشته عملش صواب است و از منظر شرع انور، بلا اشکال محسوب می‌شود و مصداق آیه شریفه «تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ...» خواهد بود.

فقیهان عظیم الشان معاصر با صدور فتوا عملیات استشهدی را نوعی جهاد در راه خدا قلمداد می‌کنند. برای نمونه یوسف قرضاوی با صدور فتوا در رابطه با عملیات استشهدی گفته است: «این نوع عملیات که قهرمانان انتفاضه فلسطین آن را انجام می‌دهند، از بزرگ‌ترین انواع جهاد در راه خدا است. ایشان این نوع جهاد را تروریسم مشروع دانسته که در قرآن کریم خداوند در این رابطه فرمود:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ...﴾

(انفال / ۶۰)

قرضاوی تسمیه این نوع عملیات را به عملیات انتحاری، نامگذاری اشتباه و گمراه‌کننده‌ای دانسته و گفته است: میان عملیات استشهدی و قهرمانانه با عملیات انتحاری فرق بسیار است، و میان مجری اینگونه عملیات با مجری عملیات انتحاری از لحاظ روان شناختی تفاوت بسیار است؛ جمیع ادیان الهی و مقررات جهانی، صیانت شعوب را از میهن خود و قتال با دشمن تعدی‌گر را با هر روش و ذریعه‌ای مباح شمرده‌اند(همان: ۱۸۷).

نتیجه بحث

از مجموع فتاوا و نظریاتی که از فقهای اهل سنت درباره مشروعیت عملیات شهادت طلبانه ارائه داده اند، شروط زیر را می توان استخراج کرد:

۱. انجام عملیات شهادت طلبانه به خاطر اعتلای کلمه توحید باشد. نیت و مقصود مجری عملیات باید دفاع از اسلام و مسلمین باشد و به خاطر خدا این اعمال جهادی را انجام دهد و انگیزه های شخصی و نفسانی نداشته باشد.

۲. مجری عملیات باید قطع و یا ظن غالب داشته باشد که انجام چنین عملیاتی موجب کشته و زخمی شدن متجاوزان شده و زمینه خروج آنها را فراهم می کند؛ و در نتیجه به مسلمانان جرأت می دهد که علیه کفار دست به مبارزه همگانی بزنند.

۳. عملیات شهادت طلبانه در سرزمین کفاری که با مسلمانان در حال جنگ هستند انجام می شود و یا در کشورهای اسلامی که به تصرف کفار درآمده، و اشغال گران حاکمیت بر آن پیدا کرده اند و امت اسلامی با آنها در حال جنگ هستند که متجاوزان را از خاکشان بیرون نمایند. بر این اساس رژیم غاصب اسرائیل که بخشی از خاک فلسطین را تصرف کرده اشغال گر محسوب می شود و عملیات استشهادی علیه آنها صورت می گیرد.

۴. اینگونه عملیات باید با اذن امیر و فرمانده و حاکم شرع انجام شود، بدین معنا که کسی به صورت خودسرانه و بدون اخذ مجوز شرعی حق ندارد دست به عملیات استشهادی بزند.

۵. اینگونه عملیات باید به مصلحت اسلام و مسلمین باشد. یعنی اگر شرایط و مقتضیات زمان و مکان طوری است که انجام عملیات استشهادی به مصلحت نیست باید از آن خودداری شود. تشخیص این مصلحت هم بر عهده مسئولین امر است نه مجری عملیات.

در صورتی که این شرائط برای انجام استشهادی وجود نداشته باشد، این اقدام خودکشی و حرام است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن ابی شیبه، عبدالله. ۱۴۱۴ق، **المصنّف فی الاحادیث والآثار**، ج ۸، بیروت: دار الفکر.
- ابن عابدین. ۱۴۱۵ق، **حاشیة رد المحتار**، ج ۴، بیروت: دار الفکر.
- احمد بن حنبل. ۱۳۸۹ق، **مسند احمد**، ج ۱، بیروت: دار صادر.
- باقری، حسن و مرتضی سالمی. ۱۳۸۱ش، **عملیات استشهدادی چرا و چگونه**، قم: نشر تذیر.
- البخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۰۱ق، **صحیح بخاری**، ج ۱، بیروت: دار الفکر.
- البوطی، محمد سعید رمضان. ۱۳۹۳ق، **ضوابط المصلحة فی الشریعة الاسلامیة**، مصر: مؤسسة الرساله.
- بیهقی، احمد. بی تا، **السنن الکبری**، ج ۹، بیروت: دار المعرفه.
- ترمذی. ۱۳۹۵ق، **سنن ترمذی**، مصر: مكتبة الحلبي.
- ثعالبی، ابوزید. ۱۴۱۸ق، **الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن**، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خطیب شربینی، محمد. ۱۳۷۷ق، **مغنی المحتاج**، ج ۱ و ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رازی، فخر. بی تا، **التفسیر الکبیر**، ج ۵، چاپ دوم، تهران: دار الکتب العلمیه.
- الزحیلی، وهبه. ۱۴۱۹ق، **آثار الحرب فی الفقه الاسلامی**، دمشق: دار الفکر.
- سرخسی، محمد بن احمد. ۱۹۷۱م، **شرح السیر الکبیر**، ج ۱، بی جا: الشركة الشرقیة للإعلانات.
- شوکانی، محمد. ۱۴۱۲ق، **فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر**، ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- طنطاوی، محمد. ۱۴۲۵ق، **الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم**، ج ۶، مصحح: شاهین محمد عبد السلام، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- عسقلانی. بی تا، **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، ج ۶، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفه للطباعة والنشر.
- غیبه، محمد سعید. ۱۴۲۱ق، **العملیات الاستشهدادیه وآراء الفقهاء فیها**، چاپ دوم، دمشق: دار المکتبی.
- فیض، علیرضا. ۱۳۷۹ش، **مبادئ فقه و اصول**، چاپ یازدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
- قرطبی. ۱۴۱۷ق، **الجامع لأحكام القرآن**، چاپ پنجم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. ۱۴۰۵ق، **الجامع لأحكام القرآن**، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر. ۱۴۲۲ق، **کشف الغطاء**، ج ۴، قم: بوستان کتاب قم.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، **بحار الأنوار**، ج ۶۷، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مدیر شانه چی، کاظم. ۱۳۷۶ش، علم الحديث ودراية الحديث، چاپ دوازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ملا محمد علی، امیر. ۱۳۸۵ش، مبانی فقهی عملیات استشهادی، بی جا: انتشارات زمزم هدایت. نجفی، محمد حسن. بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

هایل تکروری، نواف. ۱۹۹۷م، العلمیات الاستشهادیة فی المیزان الفقهی، چاپ دوم، دمشق: دار الفكر.

جمعیت علماء فلسطین، ۱۱/ صفر/ ۱۴۲۲ هـ قابل دسترسی در:

<http://www.Palestine-Persian.Info/fatava/fatavi.html>

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Abi, shabih Abdullah, Al-Mansf al-Fadeh and Al-Asar, 8th, Beirut, Dar al-Fakr, 1414 AH.

Ibn Abedin, the margin of red almhtar, 4th c., Beirut Dar al-Fakr, 1415 AH.

Ahmad ibn Hanbal, Mszad Ahmad, J 1, Beirut, Exported, 2010 AH.

Al-Bakhary, Mohammed bin Isma'il, Sahih Bukhari, C 1, Beirut, Dar Al-Fakr, 1401 AH.

Al-Puthi, Mohammad Saeed Ramadan, Al-Maslah's Rules of Al-Sharia Al-Islam, Alas Al-Mahalla Institute, Egypt, 2014. AH.

Abu Zayed Sa'alabi, Al-Jo'ahr al-Hassan al-Tafsir al-Quran, c 1, Darahiah al-Tarath al-Arabi, 1418 AH

Beyhaghi, Ahmed, Al-Sunnah al-Kabiri, 9th, Beirut, Dar al-Ma'rafa.

Bagheri, Hassan, Salemi, Morteza, Mysticism Operation Why and How, Nashr-e Tadeh, Qom, 1381 AH.

Thermzai, Travan Tarmäki, Maktab al-Halabi, Egypt, 1395 BC, [Be Naj].

Khabib Sherbini, Mohammad, Mukhni al-Makhtaj, 1st and 4th, Beirut, Dar Ahyat al-Atr al-Arabi, 1377 AH.

Razi, Fakhr, al-Tufsir al-Kabir, c.5, second edition, (Tehran, Dar al-Kabul al-Ma'mieh).

Sarakhsi, Mohammed bin Ahmad, Al-Sayyur al-Kaybir, c. 1, bayad, al-Sharqa al-sharqiyah Il al-Adanat, 1971 m.

Shokani, Mohammad, Fatah al-Qadir al-Giyah, between the technical and the el-Rawayeh al-Dardayeh I Alam al-Tafsir, c. 2. Beirut, Dar Al-Fakr, 1412 AH.

Tantawi, Muhammad, Al-Jouhrah al-Tafsir al-Qur'an al-Karim, J 6, Excerpted: Shahin Muhammad Abdul-Salam, Dara al-Qa'al al-Ma'miyeh, Beirut, 1425 AH.

Asqalani, Fatah al-Bari fi Description of Sahih al-Bukhari, C 6, Second edition, Beirut, Dar al-Ma'rafeh Lalatbaya and Al-Nashar.

The late, Mohammad Sa'id, Al-Muliati al-Shashhadieh and Arafat al-Fahda Fiha, Damascus, Dar al-Mbeki, Second Edition, 1421 AH.

Feyz, Alireza, Principles of Law and Principles, 11th Edition, Tehran University Press, 2000.

Al-Qartabi, Al-Juma Allah al-Quran, Dar al-Kabul al-Ma'miah, fifth edition: Beirut, 1417 AD.

Qaradawi, Youssef, Al-Palestine Al-Maslūma Magazine, No. 9, Ill. 1996.

Qartabi, Mohammed bin Ahmad, Al-Juma Lahaqam al-Quran, c. 2, Darahia al-Terra al-Arabi, 1405 AH.

Kashif al-Ghatha Sheikh Ja'far, Discovery of al-Ghatha, Q 4, Qom, Bostan Qum Book, 1422 AH.

Majlisi, Mohammad Bagher, Baharalanovar, 67th, Third edition, Beirut, Dar Ahijah al-Atr al-Arabi, 1403 AH.

Director of Shaneh Qi, Kazem, Alam al-Hadith and Al-Hadith, Twelfth Edition (Qom, Islamic Printing Office, 1997).

Moleh Mohammad Ali, Amir, The Legal Principles of Military Operations, Zamzam Publishing, Hedayat, 2006

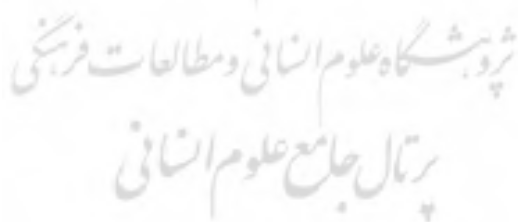
Najafi, Mohammad Hassan, Jahar El-Klamifi Description of Sharahi al-Islam, 11/11, Dur Elec al-Islamiyyah.

Nouri, Mohiyeddin, Raza al-Talibin, J 7.

Wahhab al-Zahili, works of al-Harb al-Fahda al-Islam, Sayyid Al-Fakr, Damascus, 1419 AH.

Hayl Tekhuri, Nawaf, Al-Alamiyat Elashehdadi Fi al-Mizan al-Foghchi, Second Edition, Damascus, Dar al-Fakr, 1997.

Palestinian Ulema Population, 11 / Zero / 1422 AH. Available at: <http://www.Palestine-Persian.Info/fatava/fatavi.html>



Evidences of Affidavit Operation Permit of Sunnite Jurisprudents in Affidavit Schools based on Verses of Holy Quran

Yaghoub Tavakkoli: Associate Professor, Islamic Studies
Saeed Hassanzadeh: Faculty Member, Islamic Studies, Islamic Azad University, Torbat Heidariyeh Branch

Abstract

Early Islamic ideology among Sunnite began with Quran and the six books by Bukhari, Moslem, Abu Davood, Tirmidhi, Ibn Majah, Nisa'i which are sources of their hadiths; and Sunnite jurisprudents know the affidavits authorized in their various jurisprudential discourses testified by mentioning a number of permissible arguments. This research, which is based on librarian and documented theoretical data, has been compiled in a descriptive method and after presenting evidence of affidavit operations among Sunnis, and the nature of such jihad with their various interpretations of the Quran and traditions and events considered it necessary with restrictions and conditions.

Keywords: affidavit operation, jurisprudents, Sunnis, Quran's Verses.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی